



گزارش کارباش

تسهیلگران:

مجید قائم پناه، فائزه مهدوی

نویسنده گزارش:

فائزه مهدوی

مقدمه:

پروژه ترویجی کارباش با هدف ترویج فرهنگ کار و تلاش و ایجاد انگیزه و علاقه کودکان و نوجوانان به کار و تلاش شکل گرفته است. رویکرد ترویجی فرصتی را ایجاد می کند که افراد علاقه مند نگرش شان نسبت به آینده و کسب و کار تغییر کند. در سال ۱۴۰۴ دو پروژه ترویجی اجرا شد:

- حمایت از تئاتر اگر گربه را ببینم
- پویش عکاسی از کسب و کارهای تابستانه دانش آموزان (دست به کار)

تئاتر اگر گربه را ببینم:

نمایش کودک «اگر گربه را ببینم» از تاریخ ۱۵ مهرماه ۱۴۰۴ به مدت ۱۷ شب برای عموم اجرا شد و در ادامه اجرای خصوصی برای مهدکودک ها و مدارس تا ۶ آبان ماه ادامه داشت. این نمایش با موضوع تنبلی اجرا شد تا کودکان پس از تماشای این تئاتر دریابند که تنبلی چقدر می تواند برای آن ها و سایر افراد در جامعه دردسرساز باشد.



تصویر شماره ۱: لحظه ای از اجرای تئاتر اگر گربه را ببینم

بنیاد سپهر در حوزه کارهای ترویجی برای آگاه سازی و ترغیب کودکان و نوجوانان به اهمیت تلاش از این گروه هنرمند حمایت کرد تا بتوانند بر روی صحنه لحظه هایی آموزنده برای مخاطبان رقم بزنند. هنرمندان این تئاتر با نشان دادن عواقب تنبلی یک کودک و گربه و مقایسه آن با تلاش های دختران گروه، این تفاوت را به خوبی نشان دادند. همچنین استفاده از شخصیت حیوانات و موزیکال بودن این تئاتر در تاثیر گذاری محتوا بر مخاطب از اهمیت برخوردار بود.

حضور استاد داوود کیانیان:

نکته ی قابل توجه تئاتر اگر گربه را ببینم، حضور ارزشمند استاد داوود کیانیان به عنوان نویسنده این نمایش بود. استاد داوود کیانیان پژوهشگر، نویسنده و کارگردان با تجربه در حوزه تئاتر کودک و نوجوان هستند که از دیدن این نمایش و جزئیات مربوط به آن مانند طراحی صحنه، لباس و اجرای نمایش احساس خرسندی داشتند.

استاد داوود کیانیان ضمن حضور در قاین و تماشای این تئاتر، دو نشست برای فعالان حوزه نمایش کودک و نوجوان نیز برگزار کرد و تجربه های خود را با فعالان و علاقه مندان به حوزه تئاتر به اشتراک گذاشت.



تصویر شماره ۲: نشست فعالان حوزه نمایش کودک و نوجوان با حضور استاد داوود کیانیان

پویش عکاسی از کسب و کارهای تابستانه دانش آموزان (دست به کار):
تابستان زمان مناسبی برای کسب تجربه و یادگیری است. دانش آموزان زیادی اوقات فراغت خود را در تابستان مشغول به کار هستند ولی هیچ وقت این تلاش و یادگیری دیده نمی شود. در تاریخ ۲۰ تیرماه ۱۴۰۴ عکاسی از کسب و کارهای تابستانی دانش آموزان در شهر قاین با عنوان «دست به کار» با هدف دیده شدن و قدردانی از این دانش آموزان آغاز شد.

در ابتدا با ۳ نفر از داوطلبان بنیاد که از عکاسان خوب و فعال بنیاد سپهر هستند صحبت شد و تصمیم گرفتیم که دانش آموزانی که کار می کنند را شناسایی کنیم و از آن ها عکس های خوبی تهیه کنیم.



تصویر شماره ۳: پوستر پویش معرفی دانش آموزانی که تابستان کار می کنند

برای پیدا کردن بهتر این دانش آموزان از عموم مردم شهرستان نیز کمک خواستیم و پویش شناسایی دانش آموزانی که تابستان کار می کنند را آغار کردیم.

در ابتدا لیستی از اسامی و آدرس تعدادی از دانش آموزانی که تابستان مشغول به کار هستند تهیه شد. همچنین قرار شد در کنار عکس‌ها، قصه‌های کوتاهی از تجربه‌های آن‌ها نوشته شود تا چرایی کار کردنشان را نشان دهد و دیگر دانش‌آموزان را به کسب تجربه در محیط کار ترغیب کند.

برای اجرای بهتر این کار از سه گروه داوطلب کمک خواستیم، عکاس‌ها، گزارشگرها و راویان قصه. در ابتدا علاوه بر عکاس یک نفر دیگر از داوطلبان بنیاد سپهر به عنوان گزارشگر به سراغ این دانش‌آموزان رفت تا با گفتگو با آن‌ها دلیل کار کردن و حس آن‌ها از کار را بنویسد، بخشی از سوالات گفتگو در جدول زیر ذکر شده است:

جدول شماره ۱: نمونه سوالات گفتگو با دانش آموزان

سوالات گفتگو با دانش آموزان مشغول به کار
متولد چه سالی هستید؟
از چه سالی شروع به فعالیت کرده اید؟
انگیزه و هدفتون از شروع کار چه بوده است؟
آیا قبلاً شغل یا حرفه ای را دنبال می کردید؟
دوست دارید در ادامه مسیر کاری تون در همین شغل باشه؟
از اینکه مستقل هستی چه حسی داری؟
توی یک جمله اگر بخواین کارتون رو توصیف کنین چی می‌گین؟
یک جمله به هم سن و سال هاتون بگین؟

در مجموع ۲۴ سوژه عکاسی شدند و متن دریافت شده از مصاحبه با دانش آموزان در اختیار راویان قصه قرار گرفت تا به شکل روایت و قصه نوشته شود.

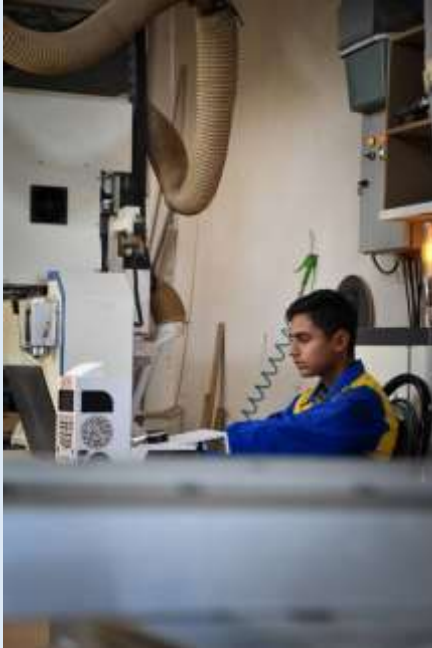


تصویر شماره ۴: پشت صحنه مصاحبه و عکاسی از سوژه

نمونه ای از روایت دانش آموزان:

«گل توی دروازه»

✍️ نفیسه تقی زاده



پسر خجالتی و مودبیه... موقعی که ازش سوال می پرسیدیم با نجابت زیاد و به آرومی به تک تک جواباش فکر می کرد! آرمان حسن پور، پسر مسئولیت پذیر، در جواب این سوال که «انگیزت چیه» با یکم مکث صادقانه میگه که می خواد توی این کار اوستا بشه و بزرگ که شد این کارو ادامه بده. انگاری آرمان نه برای دوچرخه و پلای استیشن یا لباس مرد عنکبوتی بلکه بخاطر خود اون کار، کار می کنه. به خاطر همینکه هر روز صبح توی کوچه، از کنار بچه هایی که دارن فوتبال بازی می کنن، میگذره و میره سر کاری که قولشو داده چون برد واقعی برای آرمان، اونجا سر کارشه! دقیقا همون جاست که می تونه برنده بشه، داد بزنه و بگه: گللل! توی دروازه!

«اولین تجربه»

✍️ ساجده خزاعی



محمد مصطفی خداپرست، پسری یازده ساله که این روزها در یک مکانیکی مشغول به کار است. او از تابستان امسال وارد این کار شده و این، اولین تجربه کاری او به شمار میاد. دلیل محمد مصطفی برای کار کردن، علاقه اش به مستقل شدن است. اگر به گذشته برگرده، باز هم همین مسیر را انتخاب می کنه، چون از کارش لذت می بره و به آن علاقه داره. حتی احتمال داره که ممکن است در آینده هم در همین حرفه باشد. محمد مصطفی می گوید هر صبح که می خواهد به محل کارش برود، ذوق زیادی دارد. به گفته خودش، از کار کردن احساس رضایت می کند و خوشحال است که می تواند روی پای خودش بایستد.

این پویش یک مسابقه عکاسی نبود، به همین دلیل به داوری نیاز نداشت و تمامی آثار به همراه روایت چاپ شدند.



تصاویر شماره ۵: نمونه تصاویر پویش عکاسی از کسب و کارهای تابستانه دانش آموزان

اختتامیه:

برگزاری نمایشگاه از عکس های این پویش به دلیل شرایط پیش آمده به زمان بهتری در سال ۱۴۰۵ موکول شد، تا بتوانیم به شکل بهتری از این دانش آموزان قدردانی کنیم.



اندکی از دستاوردهای این پروژه

خوب که چی؟ صدها نفر تئاتری را دیدند و ۲۴ نوجوان مشغول به کار را شناسایی کردید و از شان عکس گرفتید و روایتی نوشتید!

اینها پروژه های ترویجی هستند به این معنا که می خواهند در عده ای علاقه ای یا آگاهی ای یا نگرشی ایجاد کنند و نیاز به پیوستگی دارند و البته سنجش اثر بخشی آن اندکی سخت است.

در خصوص دستاوردهای اجرای تئاتر با وجودی که می شد نتوانستیم میزان یادگیری تماشاچیان را از نمایش بسنجیم و رویداد دست به کار هم ناقص ماند اما برای هر دو حدس ما و امید ما این است که دستاوردهایی داشته باشد مثلا شاید به برخی تلنگری زده باشد که کاری بکنند، کار در نوجوانی با هدف یادگیری و افزایش اعتماد به نفس ارزشمند شود و خانواده ها از آن استقبال کنند.

ظاهرا و به احتمال زیاد این دو پروژه از ابعاد و نگاه های مختلف دستاوردهای متنوعی خواهد داشت، باشد که قبول افتد!